



## امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد حج و اوقاف  
ریاست مجمع علمی  
آمریت افتاء

Islamic Emirate of Afghanistan  
Ministry of Religious Affairs and HADJ  
General President of Academic Team



تاری ۱۴۰۰ // ۱۲ / ۳

شماره

ورقه استفتاء نرگس نیازی ولد محمد حلیم ولدیت محمد ابراهیم سکونت اصلی ولایت کندز ولسوالی خان آباد سکونت فعلی ناحیه چهارم شهر کابل.

به ریاست محترم مجمع علمی!

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته.

اینجانب که شهرتم در فوق ذکر گردیده است صورت مسئله ام قرار ذیل است امیدوارم پاسخ شرعی به سوالات بنده ارائه گردد.

۱. آیا ایجاب و قبول بطوری فضولی از دیدگاه شرع منعقد میگردد یاخیر؟
۲. آیا مصارفی که بستگان بچه نموده اند استرداد آن بالای (من، فامیل من و یافامیل بچه) کی میباشد؟
۳. آیا من که عمرم ۲۶ سال است صلاحیت نامزد شدن خود را دارم یاخیر؟
۴. آیا در طول (۷) سال است که من بنام آن بچه طوری جبری گیر مانده ام میخواهم از این مشکل خلاص شوم از دیدگاه شریعت کدام ممانعت وجود دارد یاخیر؟
۵. من پسر را ندیده بودم و نه در وقت آمدن شاهدان اقرار نمودم آیا ایجاب و قبول درست است یاخیر؟
۶. من هرگز نمیخواهم که همرايش زندگی کنم ونخواستم ونمیخواهمش جبراً زندگی کردن در شریعت جواز دارد یاخیر؟

بالاحترام:

نرگس "نیازی"

حکم مقام محترم ریاست: امریت افتاء! در مورد شرعا ابراز نظر گردد.

الجواب باسم ملهم الصواب

حامدا لله و مصليا على رسول الله

مستفتی محترم! آنچه را شما در متن استفتاء خود ذکر نموده اید در خصوص آن چنین باید گفت:

که عقد نکاح و پیوند ازدواج که بخش مهم حیات و زندگی انسان ها را تشکیل میدهد در تعلیمات والای دین مقدس اسلام مورد توجه خاص قرار گرفته است، زیرا پیوند ازدواج گام نخست در ساختن



## امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد حج و اوقاف

ریاست مجمع علمی

آمریت افتاء

Islamic Emirate of Afghanistan  
Ministry of Religious Affairs and HADJ  
General President of Academic Team



تاری ۱۴۰۰ // ۱۲ / ۳

شماره

یک جامعه رسالت مند محسوب می گردد، وکانون مقدس خانواده اولین مدرسه برای تربیه سالم و تقدیم افراد مفید به جامعه شناخته شده است لذا در تعلیمات ارزشمند دین مقدس اسلام به معیارهای مهم و اساسی برای انتخاب همسر اشاره شده است که اصل دین داری مهم ترین آن می باشد تا آغاز این عقد به جای اینکه بر مبنای عواطف و احساسات زود گذر باشد، بر مبنای اصل دیانت و تقوی صورت گیرد تا این پیوند مقدس در طول حیات زوجین از هر نوع گسست و از هم پاشی مصئون مانده اهداف والای آن محقق گردد، لذا بر مردان و زنان مسلمان لازم است تا در انتخاب همسر و همسفر برای خود و اولادهای خود از اصل دین داری بنا بر هیچ مصلحتی عدول نکنند و حیات خود و اولادهای خود را قربانی عواطف و احساساتی زودگذر نکنند تا هم مسئولیت اخروی خود را ادا نموده باشند و هم از ندامت و سرگردانی دائمی نجات یابند.

و حالاً در خصوص مسائل مطرح شده در متن استفتاء و پرسشنامه شما باید بگویم که در این پرسشنامه سوالات متعددی ذکر شده است که ذیلاً با استناد از کتب معتبره حنفی به پاسخ آن ها پرداخته خواهد شد تا در روشنی آن برای حل مشکل شما راه حل معقول و شرعی پیدا گردد.

**1-** در پاسخ به پرسش اولی شما باید گفت که اگر واقعیت قضیه همان طور باشد که در متن عریضه شما ذکر شد یعنی اولاً شما {محترمه نرگس} به این عقد ازدواج راضی نبودند و کسی را هم از طرف خود وکیل نکاح تعیین نکرده بودید بلکه وکیل نکاح به گفته کسی دیگر طور فضولی تعیین شده بوده و ایجاب و قبول هم توسط آن شخص طور فضولی صورت گرفته است، حالاً اگر واقعیت همینگونه باشد نه چیز دیگر باز تصرفات شخص فضولی در باب نکاح که در حق منکوحه صورت گرفته باشد به اجازه وی موقوف می باشد و هرگاه منکوحه این عقد به تصرفات شخص فضولی راضی نباشد و اجازه ندهد تصرفات وی نافذ پنداشته نمی شود چنانچه در این خصوص در کتاب معتبره حنفی چنین آمده است: **{وینعقد نکاح الفضولی موقوفاً}** الاختیار لتعلیل المختار، ج/۱ ص/۹۸. طبع: دارالمعرفه.

لذا هرگاه شما به تصرفات که پسر کاکای تان بدون تعیین نمودن از سوی شما بحیث پدر وکیل انجام داده است در آن وقت راضی نبوده و به آن اجازه نداده باشید و حالاً هم به آن رضایت نداشته باشید، باز ایجاب و قبول که توسط وی صورت گرفته است نافذ نیست و بر آن هیچ اثر و حکمی مرتب نمی گردد و شما منکوحه کسی نمی باشید که جدایی از آن به طلاق و یا خلع نیاز داشته باشد.

**2-** و در پاسخ به پرسش دوم شما باید گفت: که آنچه در این مراسم مصرف شده است یا به عنوان حق مهر پرداخت شده است و یا به طور هدیه و تحفه برای این خانم و متعلقین طرفین به مصرف رسیده است و یا هم در ضیافت مهمانان محفل مصرف شده است، پس هر آنچه به عنوان حق



## امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد حج و اوقاف  
ریاست مجمع علمی  
آمریت إفتاء

Islamic Emirate of Afghanistan  
Ministry of Religious Affairs and HADJ  
General President of Academic Team



تاری ۱۴۰۰ // ۱۲ / ۳

شماره

مهر برای مخطوبه این عقد پرداخت شده باشد و حالاً نسبت مشکلات پیش آمده و عدم موافقه یک طرف این قضیه، این عقد صورت نمی گیرد آنچه به عنوان حق مهر گرفته شده است چه موجود باشد و یا موجود نباشد برای طرف پسر مسترد می گردد چون مهر طور معاوضه در عقد نکاح صحیح پرداخته می گردد و حالاً که این عقد تکمیل نشد پس باید حق مهر پرداخته شده هم مسترد گردد، و آنچه طور هدیه و تحفه برای مخطوبه و متعلقین طرفین به مصرف رسیده است، اگر آن اشیاء موجود باشد و استهلاک نشده باشد آن هم باید دوباره مسترد شود، ولی اگر آن اشیاء تحفه داده شده استهلاک شده باشد و موجود نبوده باشد باز دیگر کسی حق مطالبه آن را ندارد، و مصارف مهمانان هم بالای کسی است که در این محفل آن ها را دعوت کرده است.

چنانچه در این خصوص در کتاب مشهور فقه حنفی چنین آمده است: { حَطَبَ بِنْتِ رَجُلٍ وَبَعَثَ إِلَيْهَا أَشْيَاءَ وَلَمْ يُرَوجْهَا أَبُوهَا فَمَا بَعَثَ لِلْمَهْرِ يُسْتَرَدُّ عَيْنُهُ قَائِمًا ) فَقَطُّ وَإِنْ تَغَيَّرَ بِالِاسْتِعْمَالِ ( أَوْ قِيمَتَهُ هَالِكًا ) لِأَنَّهُ مُعَاوَضَةٌ وَلَمْ تَتِمَّ فَجَازَ الْإِسْتِرْدَادُ ( وَكَذَا ) يُسْتَرَدُّ ( مَا بَعَثَ هَدِيَّةً وَهُوَ قَائِمٌ دُونَ الْهَالِكِ وَالْمُسْتَهْلَكِ ) لِأَنَّهُ فِي مَعْنَى الْهَبَةِ . الشَّرْحُ ( قَوْلُهُ ) وَلَمْ يُرَوجْهَا أَبُوهَا ( مِثْلُهُ مَا إِذَا أَبَتْ وَهِيَ كَبِيرَةٌ }  
ردالمحتار، ج/2 ص/501. طبع: .

و همچنان در الفتاوی الهندیه نیز در این خصوص چنین آمده است: { رَجُلٌ حَطَبَ ابْنَةً رَجُلٌ فَقَالَ أَبُو الْبِنْتِ بَلَى إِنْ كُنْتَ تَنْقُدُ الْمَهْرَ إِلَى سِنَةِ أَشْهَرٍ أَوْ إِلَى سِنَةِ أَرْوَجَهَا مِنْكَ ثُمَّ إِنْ الرَّجُلُ بَعْدَ ذَلِكَ بَعَثَ بِهَدَايَا إِلَى بَيْتِ الْأَبِ وَلَمْ يَقْدِرْ عَلَى أَنْ يَنْقُدَ الْمَهْرَ فَلَمْ يُرَوجْ ابْنَتَهُ مِنْهُ هَلْ لَهُ أَنْ يُسْتَرَدَّ مَا بَعَثَ لِلْمَهْرِ قَالُوا مَا بَعَثَ لِلْمَهْرِ وَهُوَ قَائِمٌ أَوْ هَالِكٌ يُسْتَرَدُّ وَكَذَا كُلُّ مَا بَعَثَ هَدِيَّةً وَهُوَ قَائِمٌ فَأَمَّا الْهَالِكُ وَالْمُسْتَهْلَكُ فَلَا شَيْءَ لَهُ مِنْ ذَلِكَ } الفتاوى الهنديه ج/1 ص/328. مکتبه حقانيه.

از عبارات فوق معلوم گردید که هرگاه بعد از خواستگاری و وعده به ازدواج طرف ناکح و پسر، مالی را به عنوان مهر و یا به طور تحفه به خانه دختر دار داده باشند، ولی بعداً نسبت عدم موافقه دختر و یا ولی آن این عقد صورت نگیرد پس آنچه به عنوان مهر پرداخت شده است چه موجود باشد و یا نباشد مسترد می گردد و آنچه را طور هدیه و تحفه برای مخطوبه و متعلقین آن داده باشند در صورت که موجود باشد مسترد می گردد و اگر استهلاک شده باشد دیگر حق مطالبه آن را ندارد.

3- در پاسخ به پرسش سوم شما باید گفت: که هرگاه یک دختر عاقل و بالغ گردد، حق ولایت دیگران از وی منقطع می گردد و دیگر هیچ کس حق اجبار بروی در امر نکاح را ندارد، لذا به نکاح دادن یک دختر بالغ و عاقل بدون اذن و رضایت وی جواز ندارد و تا وقتی که دختر اجازه این عقد را ندهد نافذ پنداشته نمی شود، چنانچه در این خصوص در کتاب مشهور فقه حنفی چنین آمده است: { وَلَا



## امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد حج و اوقاف  
ریاست مجمع علمی  
آمریت إفتاء

Islamic Emirate of Afghanistan  
Ministry of Religious Affairs and HADJ  
General President of Academic Team



تاری ۱۴۰۰ // ۱۲ / ۳

شماره

**يجوز للولي)مطلقا (إجبارالبكر البالغة على النكاح)؛ لانقطاع الولاية بالبلوغ} اللباب في شرح الكتاب، ج/ ۱ ص/ ۲۵۵. طبع: دارالكتب العربي.**

وهمچنان در کتاب دیگر از فقه حنفی نیز در این خصوص چنین آمده است: { لَا يَجُوزُ نِكَاحُ أَحَدٍ عَلَى بَالِغَةٍ صَحِيحَةٍ الْعَقْلِ مِنْ أَبِي أَوْ سُلْطَانٍ بَعِيرٍ إِذْنَهَا بِكْرًا كَانَتْ أَوْ ثَيِّبًا فَإِنَّ فِعْلَ ذَلِكَ فَالنِّكَاحُ مَوْقُوفٌ عَلَى إِجَازَتِهَا فَإِنْ أَجَازَتْهُ جَازَ وَإِنْ رَدَّتْهُ بَطُلٌ } الفتاوى الهندية، ج/ ۱ ص/ ۲۸۷. طبع: مکتبه حقانیه.

ترجمه: برای هیچ کس {پدرش باشد و یا پادشاه} جواز ندارد که یک دختر بالغ و عاقل را بدون اذن وی به نکاح کسی در آورند چه این دختر باکره باشد و یا ثیبیه، و اگر چنین هم کنند باز هم صحت عقد نکاح به اجازه دختر موقوف است اگر اجازه داد نکاح صحیح است و اگر رد نمود نکاح باطل می‌گردد.

با در نظر داشت عبارات ذکر شده هرگاه شما که در وقت این عقد سن بلوغ را تکمیل نموده باشید و این عقد بدون اجازه و رضایت شما صورت گرفته باشد و بعدا هم به آن رضایت نشان نداده باشید باز حالا هم صحت این عقد به اجازه و رضایت شما موقوف است اگر اجازه ندهید عقد نکاح صحیح نمی باشد و شما اختیار نفس خود را دارید که با هر کسی خواسته باشید ازدواج نمایید.

4- در پاسخ به پرسش چهارم شما باید گفت: که اگر همانطوریکه شما در متن عریضه خود ذکر نموده اید، این عقد و ایجاب و قبول بدون رضایت شما و توسط وکیل فضولی شما صورت گرفته باشد، باز چون صحت این عقد به اجازه و رضایت شما موقوف است، پس هرگاه شما به آن راضی نباشید و اجازه ندهید عقد نافذ نیست و حکم و اثری بر آن مرتب نشده است و شما از یک دیگرتان جدا هستید و مسئله مصارف که در این محفل صورت گرفته است را مطابق به جواب ارائه شده برای پرسش دوم تان حل و فصل نماید، ولی اگر در آن وقت ایجاب و قبول طور صحیح صورت گرفته باشد و شما در آن وقت به آن راضی بوده باشید باز حالا خلاصی شما از این عقد به فسخ نکاح با خلع و یا طلاق نیاز دارد چون از اله حل محلیه بدون این امور صورت نمی گیرد.

چنانچه در این خصوص در کتاب مشهور فقه حنفی چنین آمده است: {والدليل عليه حديث الخنساء، فإنها جاءت إلى النبي صلى الله عليه وسلم فقالت: أن أبي زوجني من بن أخيه وأنا لذلك كارهة. فقال صلى الله عليه وسلم: "أجيزي ما صنع أبوك" فقالت: ما لي رغبة فيما صنع أبي. فقال صلى الله عليه وسلم: "أذهبي فلا نكاح لك انكحي من شئت" فقالت: أجزت ما صنع أبي ولكني أردت أن يعلم النساء أن ليس للآباء من أمور بناتهم شيء. ولم ينكر عليها رسول الله صلى الله عليه وسلم مقالاتها، ولم يستفسر أنها بكر أو ثيب، فدل أن الحكم لا يختلف.} المبسوط للسرخسي، ج/ ۲ ص/ ۲. طبع: دار احیاء التراث العربی.



## امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد حج و اوقاف  
ریاست مجمع علمی  
آمریت افتاء

Islamic Emirate of Afghanistan  
Ministry of Religious Affairs and HADJ  
General President of Academic Team



تاری ۱۴۰۰ // ۱۲ / ۳

شماره

ترجمه: حضرت خنساء رضی الله عنها نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: که پدرم من را در عقد نکاح یکی از اقارب خود درآورده است و من آن را خوش ندارم، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: که آنچه را پدر شما انجام داده است به آن راضی شو، حضرت خنساء رضی الله عنها فرمودند: که آنچه را پدرم انجام داده است به آن راضی نیستم، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: که برو هیچ نکاحی در میان شما نیست، با هرکسی که خواسته باشید نکاح کن، باز حضرت خنساء رضی الله عنها فرمودند: که آنچه را پدرم انجام داده است به آن راضی هستم ولی میخواستم برای زنان بفهمانم که پدران در امور دختران خود هیچ اختیاری ندارند، و رسول الله صلی الله علیه وسلم این گفته آن را رد نکرد و پرسان هم نکرد که این خانم باکره بود و یا ثبیه. پس ب این دلالت میکند که این حکم در حق باکره وثبیه یکسان است.

۵- در پاسخ به پرسش پنجم شما باید گفت: که برای صحت عقد نکاح دیدن دختر و یا پسر شرط نیست و در صورت که به رضایت طرفین عقد نکاح بدون دیدن یکی دیگر این عقد برگزار گردد مشکل شرعی ندارد و عقد صحیح محسوب میگردد، البته برای صحت عقد نکاح ایجاب و قبول توسط طرفین عقد نکاح و یا وکیل آن ها شرط است و بدون ایجاب و قبول نمودن به الفاظ مخصوص عقد نکاح منعقد نمی گردد، حالا اگر واقعا شما نه خود ایجاب و قبول کرده باشید و نه هم وکیل برای خود تعیین کرده باشید باز نکاح شما نشده است و فسخ آن نیاز به طلاق هم ندارد چون نکاحی اصلا صورت نگرفته است، ولی هرگاه ایجاب و قبول توسط شما و یا وکیل تعیین شده از طرف شما صورت گرفته باشد باز عقد نکاح شما منعقد شده است و حالا انحلال آن نیاز به طلاق و خلع دارد که از آن طریق باید آن را دنبال کنید.

چنانچه در این خصوص در کتاب مشهور فقه حنفی چنین آمده است: { يَنْعَقِدُ بِالْإِجَابِ وَالْقَبُولِ وَضِعًا لِلْمُضِيِّ أَوْ وَضِعَ أَحَدُهُمَا لِلْمُضِيِّ وَالْآخَرَ لِغَيْرِهِ مُسْتَقْبَلًا كَمَا كَالْأَمْرِ أَوْ حَالًا كَالْمُضَارِعِ } الفتاوی الهندیه ج/ ۱ ص/ ۲۷۰. طبع: مکتبه حقانیه.

۶- در پاسخ به پرسش ششم شما باید گفت: که اولاً اگر برای شما ممکن باشد که به این عقد که صورت گرفته رضایت نشان داده و به ادامه زندگی مشترک با نامزاد خود تن بدهید و اگر نواقص و کمزورهای که در میان موجود است آن را باخرد و عقلانیت اصلاح کنید خالی از اجر و نیک نامی نخواهد بود، ولی اگر ادامه این زندگی مشترک برای شما غیرممکن باشد باز موضوع خلاصی شما از این عقد برمیگردد بر اینکه آیا نکاح و ایجاب و قبول میان شما شرعاً ثابت میگردد و یا خیر در صورتیکه شما انکار میکنید که نه ایجاب و قبول کرده اید و نه هم کسی را وکیل خود تعیین نموده اید و طرف شما ادعاء دارند که ایجاب و قبول صورت گرفته است، پس هرگاه آنها ادعاء خود در رابطه به رضایت و اجازه شما و صورت گرفتن ایجاب و قبول توسط شما و یا وکیل منتخب



## امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد حج و اوقاف

ریاست مجمع علمی

آمریت إفتاء

Islamic Emirate of Afghanistan  
Ministry of Religious Affairs and HADJ  
General President of Academic Team



تاری ۱۴۰۰ // ۱۲ / ۳

شماره

شما با بینه و گواهان ثابت نمایند باز عقد نکاح شما نافذ پنداشته شده حالا خلاصی شما از این عقد و انحلال رابطه زوجیت میان شما به طلاق و خلع به مال نیاز دارد یعنی یا شوهرتان درصوتیکه شما رضایت ندارید آمده شود و طلاق بدهد و یا هم شما یک مبلغ مال حسب توافق بپردازید که بیشتر از آنچه در این مراسم پرداخته شده است نباشد، تا این رابطه زوجیت میان شما منقطع گردد، ولی اگر آن ها گواه نداشتند باز حسب قول مفتی به، شما باید بخاطر اثبات ادعاء خود قسم بخورید و هرگاه قسم خوردید باز نکاح شما ثابت نمی شود و قطع رابطه زوجیت میان شما به طلاق و خلع نیاز ندارد و آنچه انجام شده است که عرفاً به آن نامزادی گفته میشود و از لحاظ فقهی به آن وعده به نکاح گفته میشود که در صورت نیاز هر یکی از طرفین می توانند از آن منصرف شوند.

چنانچه در کتاب های مشهور فقه حنفی در این خصوص چنین آمده است: { وَلَوْ زَوَّجَهَا الْوَلِيُّ بِغَيْرِ اسْتِئْذَانٍ ثُمَّ اِخْتَلَفَا فَقَالَ الزَّوْجُ بَلْعُكَ النِّكَاحُ فَسَكَتَتْ وَقَالَتْ لَا بَلْ رَدَدْتُكَ كَمَا فِي الشَّرْحِ الْجَامِعِ الصَّغِيرِ لِقَاضِي خَانَ فَإِنَّ أَقَامَ الزَّوْجُ الْبَيْنَةَ عَلَى سُكُوتِهَا حِينَ بَلَعَهَا الْخَبْرُ فَهِيَ أَمْرَانُهُ وَإِلَّا فَلَا نِكَاحَ بَيْنَهُمَا وَلَا يَمِينٌ عَلَيْهَا فِي قَوْلِ أَبِي حَنِيفَةَ رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَعِنْدَهُمَا عَلَيْهَا الْيَمِينُ كَذَا فِي الْمُحِيطِ وَعَلَيْهِ الْفَتْوَى { الْفَتَاوَى الْهِنْدِيَّةِ، ج/ ۱ ص/ ۲۸۹. طبع: مکتبه حقانیه.

و در کتاب دیگر از فقه حنفی نیز در این خصوص چنین آمده است: { إِذَا تَشَاقَّ الزَّوْجَانِ وَخَافَا أَنْ لَا يَقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا بَأْسَ أَنْ تَفْتَدِيَ نَفْسَهَا مِنْهُ بِمَالٍ يَخْلَعُهَا بِهِ، فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ وَقَعَ بِالْخَلْعِ تَطْلِيقَةً بَانَةً، وَلَزِمَهَا الْمَالُ وَإِنْ كَانَ النِّشُورُ مِنْ قَبْلِهِ كَرِهَ لَهُ أَنْ يَأْخُذَ مِنْهَا عَوْضًا. وَإِنْ كَانَ النِّشُورُ مِنْ قَبْلِهَا كَرِهَ لَهُ أَنْ يَأْخُذَ مِنْهَا أَكْثَرَ مِمَّا أُعْطَاهَا، { اللبَابُ فِي شَرْحِ الْكِتَابِ، ج/ ۱ ص/ ۲۷۸. طبع: دارالکتب العربی.

و همچنان در کتاب دیگر از کتب معتبر فقه حنفی نیز در این خصوص چنین آمده است: { لَوْ قَالَ هَلْ أُعْطِيتُهَا (أُعْطِيتُهَا) فَقَالَ أُعْطِيتُكَ إِنْ كَانَ الْمَجْلِسُ لِلْوَعْدِ فَوَعْدٌ وَإِنْ كَانَ لِلْعَقْدِ فَنِكَاحٌ { الْبَحْرُ الرَّائِقُ، ج/ ۳، ص/ ۱۴۷. طبع: مکتبه حقانیه.

با در نظر داشت عبارات فوق هرگاه نکاح شما ثابت نگردد باز مشکل شما بدون طلاق و خلع حل می گردد ولی در صورت ثابت شدن نکاح هم چون عقد زوجیت یک عقد دائمی است لذا صمیمیت و محبت میان طرفین در این رابطه یک چیزی حتمی است تا ادامه زندگی طرفین با شکست و تلخی ها همراه نباشد و در صورتیکه شما ادامه زندگی خود را در این عقد به هیچ وجه ممکن نمی دانید پس باید حسب دستور قرآنی و دیدگاه فقهاء کرام طرف دیگر هم آماده انحلال و قطع این رابطه به طور احسن گردند تا زندگی بعد شما در بدبختی و نافرمانی از دستورات شرع سپری نگردد.

والله اعلم و علمه اتم

راقم الحروف "محمد عارف" مصلح